

## تاریخچه کاپیتولاسیون و پیامدهای آن در ایران

---

محمدعلی اختری<sup>۱</sup>





پڙهه ٻيڙي ڪاڊ علمون انساني و مطالعات فرهنجی  
پرتال جامع علمون انسانی

## تاریخچه کاپیتولاسیون و پیامدهای آن در ایران

مخالفت امام با قانون مصوبه معروف به کاپیتولاسیون دوم

تقریباً دو هفته‌ای از تصویب لایحه نگذشته بود که امام خمینی (ره) در روز ۴۳/۸/۴ مصادف با روز تولد شاه، در قم سخنرانی‌ای در این مورد ایراد کردند که متن آن را به طور کامل از کتاب صحیفه نور جلد اول نقل می‌کنیم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پایمالی استقلال و عظمت ایران با احیای کاپیتولاسیون، انالله و انا الیه راجعون. من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است، این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده، ناراحت هستم، قلبم در فشار است، با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید، ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کرده‌اند، عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دست‌جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم، می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سر خانه‌ها بزنند، چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

قانونی در مجلس بردند در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین! که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با

کارمندهای فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند، اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیرا پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب‌نامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان درنیامد. در این چند روز این تصویب‌نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ‌های آمریکا پست‌تر کردند اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می‌کنند، اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگتر مقام را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد هیچکس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود (لابد اینجور است) بعد از سه چهار روز وام دویست میلیونی، دویست میلیون دلاری تقاضا کردند، دولت تصویب کرد که در ظرف پنج سال مبلغ مزبور به دولت ایران بدهند و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون بگیرند، می‌فهمید یعنی چه؟ دویست میلیون دلار، هر دلاری ۸ تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون، آنطور که حساب کردند ۳۰۰ میلیون دلار از ایران بگیرند یعنی ۱۰۰ میلیون دلار یعنی ۸۰۰ میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند.

معدالک ایران خودش را فروخت برای این دلارها، ایران، استقلال ما را فروخت، ما را جزء دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست‌تر از وحشی‌ها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام ۲۰۰ میلیون که ۳۰۰ میلیون دلار پس بدهند. ما با این مصیبت چه بکنیم؟ روحانیون با این مطالب چه بکنند؟ به کجا پناه ببرند؟ عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند؟

### کاپیتولاسیون مخالف رأی ملت است

سایر ممالک خیال می‌کنند که ملت ایران است، این ملت ایران است که این قدر خودش را پست کرده است نمی‌دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی به ملت ایران ندارد، این مجلس سر نیزه است، این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد، ملت ایران به اینها رأی ندادند، علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را، ملت تبعیت کرد از اینها، رأی نداد لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

نفوذ روحانی مضر به حال دشمنان ملت است نه خود ملت، در یکی از کتابهای تاریخی که امسال به طبع رسیده است و به بچه‌های ما تعلیم می‌شود، این است که بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین‌طور است، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد، اسیر آمریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را، نمی‌گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اینها

سرخود یک همچنين قرضه بزرگي را به گردن ملت بگذارند. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد اين هرج و مرجي که در بيت المال هست، بشود. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که هر دولتي هر کاري مي خواهد انجام بدهد ولو صد درصد بر ضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که مجلس به اين صورت مبتذل درآيد. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که مجلس با سرنيزه درست بشود تا اين فضاخت از آن پيدا بشود. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتي بگيرند چنانکه در شيراز شده است. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که دخترهاي معصوم مردم زير دست جوانها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارد که زن ها را در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زنها ببرند و فساد راه بيندازند. اگر نفوذ روحانيون باشد توي دهن اين دولت مي زنند، توي دهن اين مجلس مي زنند و وکلا را از مجلس بيرون مي کنند. اگر نفوذ روحانيون باشد تحميل نمي تواند بشود يک عده از وکلا بر سرنوشت يک مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانيون باشد نمي گذارند يک دست نشانده آمريکايي اين غلطها را بکنند، بيرونش مي کنند از ايران. نفوذ ايراني، نفوذ روحاني مضر به حال ملت است؟ نخير، مضر به حال شماست، مضر به حال شما خائن هاست نه مضر به حال ملت. شماديديد با نفوذ روحاني نمي توانيد هر کاري را انجام دهيد، هر غلطي را بکنيد، مي خواهيد نفوذ روحاني را از بين ببريد. شما گمان کرديد که با صحنه سازي ها مي توانيد که بين روحانيون اختلاف بيندازيد؟ نمي توانيد، اين خواب بايد در مرگ براي شما حاصل شود، نمي توانيد همچو کاري انجام دهيد، روحانيون با هم هستند. من به تمام روحانيون تعظيم مي کنم دست تمام

روحانیون را می‌بوسم، آن روز اگر دست مراجع را می‌بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم من امروز دست بقال را هم می‌بوسم.

### اعلام خطر به کلیه اقشار ملت

آقا من اخطار می‌کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می‌کنم ای سیاسیون ایران! من اعلام خطر می‌کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می‌کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر می‌کنم، ای فضلا! ای طلاب! ای مراجع! ای آقایان! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می‌کنم، خطر دار است، معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم، در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود، معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند. از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر ده سال ۱۰۰ میلیون دلار، ۸۰۰ میلیون تومان نفع پول به آمریکا بدهد؟ در عین حال ما را بفروشید برای یک همچو کاری؟

نظامیان آمریکایی، مستشاران آمریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا اگر این مملکت اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عربده می‌کشید، پس چرا دم از ترقی می‌زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از ارباب‌ها بالاترشان می‌کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟ اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکانیست پس بگوئید، پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت. چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد به ما؟ این مجلس غیرقانونی، این مجلس محرم، این مجلسی که به فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که به ادعا می‌گوید ما، هی ما

از انقلاب سفید آمده‌ایم. آقا کو این انقلاب سفید؟ پدر مردم را درآوردند آقا من مطلعم، خدا می‌داند که من رنج می‌برم، من مطلعم از این دهات، من مطلعم از این شهرستان‌های دور افتاده، از این قم بدبخت، من مطلعم از گرسنگی خوردن مردم، از وضع زراعت مردم.

سکوت در مقابل ابرقدرت‌ها از معاصی کبیره است آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت، هی قرض روی قرض بیاورید؟ هی نوکر بشوید، البته دلار نوکری هم هست، دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید نوکریش را ما بکنیم. اگر ما زیر اتومبیل رفتیم کسی حق ندارد به آمریکایی‌ها بگوید بالای چشمت ابروست لکن شماها استفاده‌اش را بکنید، مطلب اینطور است. نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشند و خفه بشویم؟ قرآن ما را بفروشند و خفه بشویم؟ والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند.

به داد اسلام برسید

ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید، رفت اسلام. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! ای شاه به داد خودت برس، به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم چون ملت ضعیفی هستیم؟ چون دلار نداریم؟ آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم پلیدتر.

امروز دولت آمریکا. منفورترین دولت در نظر ماست. اما امروز سروکار ما با این خبیث‌هاست، با آمریکا است. رئیس‌جمهور آمریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش



ملت ما، یک همچنین ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بداند این مطلب را، ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

### ما را به آمریکا فروختند

برای مستشارها مصونیت می‌گیرید؟ بیچاره وکلا داد زدند آقا از این دوست‌های ما بخواهید به ما اینقدر تحمیل نکنند، ما را نفروشید، ما را به صورت مستعمره در نیاورید، کی گوش داد به اینها، از پیمان وین یک ماده را اصلاً ذکر نکرده‌اند، ماده ۳۲ ذکر نشده است، من نمی‌دانم آن ماده چه است، من که نمی‌دانم، رئیس مجلس هم نمی‌داند، وکلا هم نمی‌دانند که قبول کردند طرح را، طرح را قبول کردند، طرح را امضاء کردند، تصویب کردند اما عده‌ای اقرار کردند که ما اصلاً نمی‌دانیم چیست (آنها هم لابد امضاء نکرده باشند) آن عده دیگر بدتر از آنها بودند، یک عده جهان‌اند اینها.

رجال سیاسی ما، صاحب منصب‌های بزرگ ما، رجال سیاسی ما، یکی بعد از دیگری را کنار می‌گذارند، الان در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطنخواه باشند چیزی نیست، دردست آنها چیزی نیست، ارتش هم بداند یکی‌تان را بعد از دیگری کنار می‌گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم است؟ یک آشپز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم شد در ایران؟ دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من بودم استعفا می‌کردم اگر من نظامی بودم استعفا می‌کردم، من این ننگ را قبول نمی‌کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می‌کردم.

### قطع نفوذ روحانی قطع ید رسول‌الله است

باید نفوذ ایرانی‌ها قطع بشود، باید مصونیت برای آشپزهای آمریکایی، برای مکانیک‌های آمریکایی، برای اداری آمریکایی، اداری و فنی، مأمورین، کارمندان

اداری، کارمندان فنی برای خانواده‌هایشان مصونیت باشد لکن آقای قاضی در حبس باشد! آقای اسلامی را با دستبند ببرند این‌ور و آن‌ور! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باشند، طرفداران اسلام باید در بندرعباس حبس باشند برای اینکه اینها طرفدار روحانیت هستند، خودشان یا روحانی‌اند یا طرفدار روحانی. این را در تاریخ ایران دست مردم دادند اینها، سند دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانیون بشود! یعنی چه؟ رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول‌الله از این ملت بشود؟ روحانیون خودشان چیزی نیستند که، روحانیون هر چه دارند از رسول‌الله است، باید قطع رسول‌الله از این ملت بشود! اینها این را می‌خواهند، این را می‌خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری اینجا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می‌خواهد بکند.

#### تمام گرفتاری‌های ما از آمریکا است

آقا تمام گرفتاری‌های ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری‌های ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزرا هم از آمریکا هستند، همه تعیین آنهاست، اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابل داد بزنند؟

#### روحانیت سدی در مقابل مظالم استعمارگران

من الان حافظه‌ام درست نیست، نمی‌توانم بفهمم مطلب را خوب، الان در حال انقلاب هستم، در یک مجلس از مجالس سابق که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهراً بوده است می‌آئیم به تهران و تهران را می‌گیریم و دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کند، یکی از مورخین، مورخین

آمریکائی می‌نویسد که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت آقایان اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم، رد کرد، مجلس به واسطه مخالفت او جرأت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکرد، روحانی این است، یک روحانی توی مجلس بود نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابق را، پیشنهاد اولتیماتومش را یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد. امروز هم باید روحانی باشد، برای همین قطع ید روحانی باید بکنند تا به آمال و آرزوی خودشان برسند، من چه بگویم؟

بر ملت است که فریاد بزند چرا ما را فروختید.

اینقدر انباشته است مطالب، اینقدر مفاسد در این مملکت زیاد است که من با این حال، با این سینه‌ام، با این وضع نمی‌توانم عرضه بکنم. نمی‌توانم مطالب را به آن مقداری که می‌دانم به عرض شما برسانم لکن شما موظفید به رفقایان بگویید، آقایان موظفند ملت را آگاه کنند، علماء موظفند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم دولت و مجلس غیرقانونی و خائن به اسلام و ملتند.

شما که وکیل ما نیستید، وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت خود به خود از وکالت بیرون می‌روید، این خیانت به مملکت است. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما. خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد، به قرآن خیانت کرد، وکلای مجلسین خیانت کردند، آنهایی که موافقت کردند با این امر، وکلای مجلس سنا خیانت کردند، این پیرمردها، وکلای مجلس شورا آنهایی که رأی دادند خیانت کردند به این مملکت، آنها وکیل نیستند، دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند اگر هم بودند من عزلشان کردم، از وکالت معزولند، تمام

تصویب‌نامه‌هایی که تا حالا نوشته‌اند، تمامش غلط است. از اول مشروطه تا حالا برحسب نص قانون، به حسب نص قانون، قانون را اگر قبول دارند به حسب نص، به حسب نص قانون، برحسب اصل دوم متمم قانون اساسی تا مجتهدین نظارت نکنند در مجلس، قانون هیچی نیست، کدام مجتهد نظارت می‌کند الان؟ اگر پنج تا ملا تو این مجلس بود، اگر یک ملا تو این مجلس بود تو دهن اینها می‌زد، نمی‌گذاشت این کار بشود. من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند، این حرف دارم به آنها، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید؟ چرا پا نشدید یقه آن مردک را بگیرید؟ همین من مخالفم و سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگوئید مخالفت این است؟ باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس، که نگذرد این مطلب، به صرف اینکه من مخالفم درست می‌شود؟ دیدید که می‌گذرد، پس نگذارید یک همچو مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانونی را که در مجلس واقع شد، قانون نمی‌دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم. ما این دولت را دولت نمی‌دانیم. اینها خائنند به مملکت ایران، خائنند.

خداوندا امور مسلمین را اصلاح کن. خداوندا دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا اشخاصی که خیانت می‌کنند به این آب و ملک، خیانت می‌کنند به اسلام، خیانت می‌کنند به قرآن، آنها را نابود کن.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته<sup>۱</sup>

۱. کتاب صحیفه نور - چاپ وزارت ارشاد - جلد اول، بهمن ۱۳۶۱، تهران، صفحات ۱۰۴ تا